

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره ملی شهدای امدادگر تأکید کردند

لبخند زدن و تحسین باطل باعث پیشروی آن می‌شود

باطل محکوم به زوال و نابودی است. البته برای تحقق این امر باید اقدام و ایستادگی کرد و از بی‌عملی، فرار، لبخند زدن و تحسین باطل که باعث پیشروی آن می‌شود پرهیز کرد.

بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره ملی شهدای امدادگر که روز دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ برگزار شد، عصر روز گذشته در محل برگزاری این همایش منتشر شد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این دیدار امدادگران را مظهر صفات انسانی و انسان‌دوستی دانستند و با اشاره به لزوم استمرار روحیه از خودگذشتگی و انسان‌دوستی ملت ایران، از طریق فرهنگ‌سازی تأکید کردند: «نقطه مقابل این روحیه، جنایت‌ها و وحشیگری‌های رژیم صهیونیستی در غزه و حمایت غرب از آن است که ایستادگی در مقابل این خونخواری‌ها و جبهه باطل وظیفه همگانی است.»

ایشان با اشاره به گزارش ستاد کنگره در خصوص ابتکاراتی همچون تولید کتاب، فیلم و بازی‌های رایانه‌ای مرتبط با شهدای امدادگر، گفتند: «صیرف تولید این آثار خوب و شوق‌آفرین کافی نیست بلکه باید کاری کنید که این تولیدات حداقل ۲۰ میلیون مخاطب پیدا کند.»

رهبر انقلاب ورود جوانان با انگیزه و مبتکر به بخش‌های مختلف همچون صنعت، سیاست، سازندگی، ادبیات و هنر را باعث رقم‌خوردن پیشرفت‌های کنونی برشمردند و افزودند: «با وجود جوانان باهمت و پراکنیزه هیچ کار نشدنی در کشور وجود ندارد.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای گفتند: «امدادگران در زیر باران گل‌رله، تنها به فکر نجات دیگران بودند نه حفظ خود؛ و روحیه شگفت‌انگیز ایشان در آنان به‌حدی بود که گاهی حتی به اسیران مجروح دشمن نیز کمک می‌کردند که این رفتار، نقطه مقابل دنیای بیگانه از انسانیت است.»

ایشان فعالیت فداکارانه پزشکان و پرستاران در بیمارستان‌های صحرایی نزدیک خطوط مقدم در دوران دفاع مقدس را جز بایان

رئیس‌جمهور آمریکا در ریاض تغییر فاز داد؟

عقب‌نشینی از تهدید

تمرکز روی عملیات روانی



علی ملکی

خبرنگار گروه سیاست

سسخترانی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در ریاض (سه‌شنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴) نمونه بارزی از جنگ روانی علیه ایران بود که به‌جای تمرکز بر همکاری‌های آمریکا– عربستان پس‌ر افکار عمومی ایران متمرکز بود. ترامپ با ادعاهایی مانند «مافیای آب» و «فساد گسترده» طی ادعایی موهوم ایران را «بزرگ‌ترین نیروی مخرب خاورمیانه» نامید و سعی کرد با بزرگ‌نمایی مشکلات، دوقطبی مردم و حاکمیت را تشدید کند. هدف او تحریک ناراضیاتی‌های اقتصادی برای ایجاد فشار از بدنه اجتماعی است و به نظری رس‌دیش معتقد است بدون اعتراضات داخلی، مذاکرات هسته‌ای به نفع آمریکا پیش نخواهد رفت. ماجرای خلیج فارس نشان‌دهنده شکست این جنگ روانی است. ترامپ قصد داشت نام خلیج فارس را به «خلیج عربی» تغییر دهد، اما واکنش یکپارچه مردم و نخبگان ایرانی، از جمله اعتراضات گسترده در فضای مجازی او را وادار به عقب‌نشینی کرد. اتفاقی که قدرت مردم ایران را به‌عنوان ستون مقاومت نشان داد که در لحظات حساس، هویت ملی را بر اختلافات داخلی ترجیح می‌دهند. جنگ روانی ترامپ با هدف تضعیف ایران از طریق تحریک اعتراضات داخلی ادامه دارد؛ اما قدرت واقعی ایران در مردم آن نهفته است. هوشیاری، وحدت ملی و مدیریت چالش‌های داخلی می‌تواند این سپر دفاعی را تقویت کند.

■ ■ ■

سناریوی فشار از کف

ترامپ در سخنرانی ریاض، به‌جای تمرکز صرف بر همکاری‌های اقتصادی با عربستان سعودی، بخش قابل توجهی از سخنان خود را به ایران اختصاص داد و با طرح ادعاهای تحریک‌آمیز، سعی کرد تصویری مخوش از وضعیت ایران ارائه دهد. او طی ادعایی ایران را «بزرگ‌ترین نیروی مخرب خاورمیانه» نامید و ادعا کرد که تهران مستنول «هرج‌ومرج» در منطقه، از جمله در یمن، عراق، سوریه و لبنان است. این اظهارات، که با اتهام‌هایی مانند «فساد گسترده»، «قطع برق روزه‌ها» و «تبدیل زمین‌های کشاورزی به صحرا» همراه بود، بخشی از راهبردی است که به دنبال ایجاد دوقطبی بین مردم و حاکمیت ایران است. ترامپ با تأکید بر مشکلات اقتصادی و اجتماعی ایران، مانند ادعای «مافیای آب» یا «زدیدن ثروت مردم توسط دولت»، مستقیماً افکار عمومی ایران را هدف قرار داد. این نوع ادبیات که مشکلات واقعی را با بزرگ‌نمایی و تحریف ترکیب می‌کند، به‌عنوان ابزاری برای تحریک احساسات عمومی و ایجاد ناراضیاتی در میان مردم به کار می‌رود و هدف این است که بخشی از بدنه ایران به‌عنوان پیادمنظام دشمن در برابر حاکمیت قرار گیرند. این راهبرد به‌ویژه در شرایطی که افکار عمومی ایران نسبت به مذاکرات هسته‌ای و رفع تحریم‌ها حساس و شرطی شده، خطرناک‌تر می‌شود. ترامپ و تیمش معتقدند که بدون ایجاد فشار از کف جامعه ایران، دستیابی به اهداف سیاسی و دیپلماتیک در عرصه مذاکرات کار ساده‌ای نخواهد بود. یکی از محورهای اصلی جنگ روانی ترامپ، ایجاد شکاف بین مردم و حاکمیت ایران است. او در سخنرانی خود به‌صراحت و به‌دروغ از «مردم ایران» به‌عنوان قربانیان فساد و سوءمدیریت دولت یاد می‌کند و با ادعایی موهوم می‌گوید که «مردم ایران از تشنگی رنج می‌برند» و «دولت ایران ثروت مردم را می‌زدرد». اظهاراتی که با هدف القای این ایده طراحی شده‌اند که مشکلات ایران ناشی از تصمیمات داخلی است و نه تحریم‌های خارجی و در نتیجه، مردم باید علیه حاکمیت خود اقدام کنند. ترامپ همچنین با اشاره به مذاکرات هسته‌ای، سعی کرد افکار عمومی را در تقابل با حاکمیت قرار دهد. او پیشنهاد «مسیر تازه» (برای ایران مطرح کرد، اما هم‌زمان تهدید کرد که در صورت عدم پذیرش توافق، صادرات نفت ایران را به صفر خواهد رساند و کشور را «ورشکسته» خواهد کرد. این پیام‌دوگانه یعنی پیشنهاد همکاری از یک‌سو و تهدید فشار حداکثری از سوی دیگر به‌گونه‌ای طراحی شده که افکار عمومی را به سمت پلنیرش مذاکرات تحت فشار سوق دهد. این موارد هم مهر تأییدی بر همان ادعاست که در نظرگاه آمریکایی، مذاکرات تنها زمانی به نتیجه مطلوب ایالات متحده خواهد رسید که فشار داخلی در ایران حاکمیت را وادار به عقب‌نشینی کند.

امپریالیسم در چنگال ملت

یکی از بارزترین نمونه‌های جنگ روانی ترامپ در سخنرانی ریاض، ادعای او درباره



هنر قابل توصیف ندانستند و با انتقاد از کوتاهی در معرفی کارهای بزرگ فرزندان ملت ایران به جهانیان، افزودند: «درحالی‌که برخی کشورهای فاقد تاریخ و قهرمان، قهرمانان ساختگی خود را با تبلیغات فراوان معرفی می‌کنند، ما باید قهرمانان واقعی خود را معرفی و به فرهنگ عمومی تبدیل کنیم تا معلوم شود امداد و کمک، وظیفه‌ای اسلامی و انسانی است و باید به‌صورت مستمر، در همه نسل‌ها تداوم یابد.»

رهبر انقلاب نقطه مقابل روحیه ایشان و امداد را خوی و رفتار و حشیانه جنایتکاران صهیونیست در حمله به آمبولانس‌ها، بیماران بیمارستان‌ها و گشتار بیماران و کودکان بی‌دفاع دانستند و گفتند: «امروز اداره دنیا به دست این حیوانات انسان‌نما است و جمهوری اسلامی وظیفه خود می‌داند که در مقابل این وحشی‌گری‌ها و

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره ملی شهدای امدادگر تأکید کردند

لبخند زدن و تحسین باطل باعث پیشروی آن می‌شود



خونخواری‌های آنها ایستادگی کند.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه اعتراض به جنایات علیه غیرنظامیان وظیفه‌ای همگانی است، افزودند: «این احساس وظیفه است که باعث حرکت و برافروخته ماندن چراغ امید در دل‌ها می‌شود و البته دشمنانی همچون غربی‌ها را به مقابله با جمهوری اسلامی واداشته است؛ چراکه اگر ما دست از اعتراض به توحش آنها برداریم، آنها با ما دشمنی نخواهند داشت.»

ایشان مشکل اصلی زورگو یابی غربی را نفی تمدن باطل آنها از طرف جمهوری اسلامی دانستند و گفتند: «باطل محکوم به زوال و نابودی است. البته برای تحقق این امر باید اقدام و ایستادگی کرد و از بی‌عملی، فرار، لبخند زدن و تحسین باطل که باعث پیشروی آن می‌شود، پرهیز کرد.»

ایران خارج نشود، چگونه خواهد بود.

چرا رئیس‌جمهور آمریکا در مورد خلیج فارس ادعایش را تکرار نکرد؟

مردم

جواب ترامپ را داده‌اند



دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، در جریان سفر به عربستان سعودی و در نشست سرمایه‌گذاری این کشور، اظهارات تندی علیه ایران مطرح کرد. این اظهارات بخشی از عملیات روانی علیه ایران بود که با هدف ایجاد تنش در داخل کشور مطرح شد. بااین حال، تمرکز بیش ازحد او بر ایران، عقب‌نشینی از جنجال نام خلیج فارس، اجتناب از تقابل نظامی و مقایسه‌های نادرست با عربستان، نشان‌دهنده ضعف منطقی و واقعی این ادعاهاست.

■ ■ ■

اگر ایران ضعیف است این‌همه توجه و تهدید چرا؟

ترامپ در نشست سرمایه‌گذاری در عربستان سعودی که با هدف جذب سرمایه و تقویت روابط اقتصادی برگزار شده بود، بخش عمده‌ای از سخنان خود را به ایران اختصاص داد. این تمرکز بیش از حد بر ایران خود نشان‌دهنده اهمیت استراتژیک این کشور در معادلات منطقه‌ای و جهانی است. اگر ایران به‌واقع کشوری ضعیف و بی‌اهمیت بود، همان‌گونه که ترامپ سعی در القای آن دارد، دلیلی برای اختصاص این حجم از توجه و وقت رئیس‌جمهور آمریکا در چنین نشست‌ی وجود نداشت. این امر به‌تنهایی نشان‌دهنده جایگاه ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای است که حتی مخالفتش نمی‌تواند آن را نادیده بگیرند.

ایران توانسته با وجود تحریم‌های سنگین و فشارهای بین‌المللی، در حوزه‌های مختلف از جمله فناوری، صنعت، کشاورزی و نظامی پیشرفت‌های چشمگیری داشته باشد. تمرکز بیش از حد ترامپ بر ایران نه‌تنها نشان‌دهنده اهمیت آن است، بلکه بیانگر نگرانی آمریکا از نفوذ و توانمندی‌های روبه‌رشد ایران در منطقه نیز است.

جریّت تغییر نام خلیج فارس را نداشت

یکی از نکات قابل‌توجه در سخنان ترامپ، اجتناب او از به‌کاربردن عباراتی تحریک‌آمیز در مورد نام خلیج فارس بود. پیش از سفر او به عربستان، برخی رسانه‌های آمریکایی گمانه‌زنی‌هایی را مطرح کرده بودند که او ممکن است از عنوانی جعلی به جای «خلیج فارس» استفاده کند تا حمایت کشورهای عربی را جلب کند. بااین حال، واکنش قاطع و یکپارچه مردم ایران از طیف‌های مختلف سیاسی و اجتماعی به این موضوع، باعث شد که ترامپ از این اقدام عقب‌نشینی کند. او در نهایت به جمله‌ای خنثی بسنده کرد: «ما منع از آن شدیم که ایران خلیج [فارس] را خلیج ایرانی بنامد.» این عقب‌نشینی نشان‌دهنده تأثیرگذاری واکنش‌های مردمی و رسمی ایران در خنثی کردن عملیات روانی آمریکا بود. نام خلیج فارس نه‌تنها یک مسئله جغرافیایی، بلکه بخشی از هویت تاریخی و فرهنگی ایران است که با اسناد معتبر بین‌المللی نیز تأیید شده است. اجتناب ترامپ از ورود به این جنجال نشان داد که حتی در اوج عملیات روانی علیه ایران، او ناچار به رعایت حساسیت‌های ملی ایرانیان شد.

عقب‌نشینی از تقابل نظامی با ایران

ترامپ از زمان انتخاب مجددش به‌عنوان رئیس‌جمهور، بارها ایران را به اقدام نظامی تهدید کرده بود، اما تحولات منطقه‌ای، به‌ویژه مقاومت نیروهای یمنی در برابر حملات آمریکا، او را وادار به تجدیدنظر در مواضع خود کرد. یمن با هدف قراردادن هواپیماها و ناوهای جنگی آمریکا و شلیک موشک‌های دقیق به سمت اهدافی در سرزمین‌های اشغالی، نشان داد که توانایی مقابله با قدرت نظامی آمریکا را دارد. این مقاومت باعث شد ترامپ از موضع تقابل نظامی عقب‌نشینی کند و حتی به توافقی با یمن افتخار کند که بر اساس آن، نیروهای یمنی متعهد شدند کشتی‌های آمریکایی را هدف قرار ندهند. او در نشست عربستان نیز این موضوع را تکرار کرد و گفت: «حوشی‌ها مبارزان سرسختی هستند. اما آن‌ها موافقت کردند تا کشتی‌های آمریکایی را هدف قرار ندهند.» این اظهارات به‌معنای پذیرش ضمنی

مجمع تشخیص با تصویب مشروط پالرمو موافقت کرد

مشروطی پالرمو

عصر روز گذشته، نوشته کوتاه‌سنگنری مجمع تشخیص مصلحت نظام در شبکه ایکس، خبر از تصویب کنوانسیون پالرمو در مجمع تشخیص مصلحت نظام داد؛ خبری کوتاه که نقطه پایانی بر مناقشه‌های دور و دراز در مورد پذیرش و عدم‌پذیرش پالرمو از سوی ایران است. اعلام ششده‌رسیدگی به کنوانسیون Cff در جلسه آینده مجمع انجام خواهد شد. پیوستن ایران به این دو کنوانسیون و بررسی آن در مجمع تشخیص همیشه مورد بحث موافق و مخالف بوده است. با روی کار آمدن دولت پزشکیان، دولت درواقع موافق و مصر بر پیوستن ایران شد. دولت نگاه‌خوش‌بینانه‌ای به‌پذیرش این کنوانسیون‌ها از سوی ایران دارد و هادی خانی معاون وزیر اقتصاد و رئیس مرکز اطلاعات مالی معتقد است که این کنوانسیون‌ها اشاره‌ای به الزام کشورها جهت ارائه اطلاعات اقتصادی و حیاتی خارج از چهارچوب قوانین داخلی کشورها ندارند و از سویی معتقدند چون این کنوانسیون‌ها برای سازمان مللند، ارتباطی با مذاکرات ایران و آمریکا ندارند. دولت معتقد است باید اقدامات تقابلی تعلیق شود و در همین راستا خواهان پیوستن ایران به این دو کنوانسیون بود. نکته مهم در این مصوبه به مجمع تشخیص مصلحت نظام، موافقت «مشروط» است. مطابق آنچه اعلام شده، ایران در چهارچوب «قانون اساسی و قوانین داخلی» خود الحاق به این کنوانسیون را پذیرفته است. محسن دهنوی، سخنگوی مجمع تشخیص در مورد این مشروط‌بودن می‌گوید: «در ابتدای ماه‌واحد، مجلس شورای اسلامی شرط‌هایی را برای الحاق ایران اضافه کرده بود که مهم‌ترین آن این بود که جمهوری اسلامی ایران به مفاد این کنوانسیون در چهارچوب قانون اساسی و قوانین داخلی خود عمل می‌کند. این حق شرطی است که مجلس شورای اسلامی گذاشته و مجمع تشخیص هم آن را تأیید کرده‌است.» گفتنی است بسیاری از کشورها هم این کنوانسیون‌ها را با حق شرط پذیرفته‌اند، از جمله مصر و کویت و یمن. حال باید دید در ادامه، روند نظارت داخلی بر این حق شرط، برای آنکه پذیرش همکاری کنوانسیون‌های مذکور از چهارچوب قوانین ایران خارج نشود، چگونه خواهد بود.

ایران خارج نشود، چگونه خواهد بود.

چرا رئیس‌جمهور آمریکا در مورد خلیج فارس ادعایش را تکرار نکرد؟

مردم

جواب ترامپ را داده‌اند

شکست آمریکا در برابر نیروی مقاومتی است که با امکانات محدود، توانسته قدرت نظامی آمریکا را به چالش بکشد. طبیعی است که وقتی آمریکا در برابر یمن ناچار به عقب‌نشینی شده، از تقابل نظامی مستقیم با ایران نیز اجتناب کند. ایران با داشتن توان موشکی پیشرفته، نیروی انسانی آموزش‌دیده و تجربه چندین دهه مقاومت در برابر فشارهای خارجی، قدرتی به‌مراتب بزرگ‌تر از یمن دارد. به همین دلیل، ترامپ به‌جای تهدید نظامی، به تشدید تحریم‌ها و عملیات روانی روی آورده است.

مقایسه نادرست جمهوری ۸۰ میلیونی با سلطنت ۳۰ میلیونی

ترامپ در سخنان خود سعی کرد با مقایسه ایران و عربستان، ایران را کشوری ضعیف و ناکارآمد جلوه دهد. او ادعا کرد که عربستان صحرا را به زمین کشاورزی تبدیل کرده، درحالی‌که ایران زمین‌های کشاورزی را به صحرا تبدیل کرده است. این مقایسه نه‌تنها نادرست است، بلکه فاقد مبنای منطقی و علمی است. ایران با جمعیتی بیش از دو برابر عربستان (حدود ۸۵ میلیون نفر در برابر ۳۵ میلیون نفر) و مساحت به‌مراتب بزرگ‌تر، با چالش‌های متفاوتی مواجه است. ایران با وجود تحریم‌های سنگین، توانسته بخش عمده‌ای از نیازهای صنعتی و کشاورزی خود را تأمین کند، درحالی‌که عربستان به دلیل وابستگی شدید به درآمد‌های نفتی و اقتصاد تک‌محصولی تنها واردکننده بزرگی محسوب می‌شود. همچنین ایران در بسیاری از شاخص‌های توسعه از عربستان پیشی گرفته است. ایران در رتبه‌بندی نظامی جهانی در جایگاه ۱۶ قرار دارد، درحالی‌که عربستان با هزینه‌های هنگفت نظامی (از جمله قرارداد ۱۴۲ میلیارد دلاری در همین سفر ترامپ) در رتبه ۲۴ قرار دارد. ایران در حوزه فناوری فضایی و پرتاب ماهواره جزء ۱۰ کشور برتر جهان است، درحالی‌که عربستان چنین توانمندی‌ای ندارد. در حوزه دارویی، ایران به خودکفایی ۷۰ درصدی رسیده، اما عربستان کاملاً به واردات وابسته است. در ورزش، ایران با ۸۸ مدال المپیک و رتبه ۱۸ فینا، عملکرد به‌مراتب بهتری نسبت به عربستان (با ۴ مدال المپیک و رتبه ۵۸ فینا) دارد. این درحالی است که عربستان سرمایه‌گذاری گسترده‌ای به ویژه در ورزش فوتبال داشته و با این حال در کسب سهمیه جام جهانی با چالش مواجه شده است. در حوزه آموزش، نرخ پاس‌داوی، تولید مقالات علمی و حضور زنان در رشته‌های علمی نیز ایران وضعیت بهتری نسبت به عربستان دارد. این مقایسه‌ها نشان می‌دهد که ادعاهای ترامپ نه‌تنها نادرست هستند، بلکه سعی در تحریف واقعیت‌های عینی دارند. ایران با ساختار جمهوری و مشارکت مردمی، در برابر ساختار سلطنتی و متمرکز عربستان، توانسته با وجود محدودیت‌ها به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یابد.

رؤیافروشی در مورد آینده ارتباط با آمریکا

ترامپ در سخنان خود سعی کرد پیشرفت‌های تک‌بعدی عربستان (مانند ساخت آسمان‌خراش‌ها) را به رابطه نزدیک این کشور با آمریکا نسبت دهد و به ایران پیشنهاد دهد که با همکاری با آمریکا می‌تواند به آینده‌ای بهتر دست یابد. او گفت: «من می‌خواهم مسیر تازه‌ای به ایران ارائه دهم تا به سوی آینده‌ای امیدوارتر حرکت کند. من آماده ایجاد همکاری‌های تازه هستم.» این ادعا در حالی مطرح می‌شود که بسیاری از کشورهای منطقه که روابط نزدیکی با آمریکا دارند، مانند مصر و پاکستان، با وجود جمعیت مشابه ایران، از نظر زیرساختی و اقتصادی وضعیت مطلوبی ندارند. مصر با جدات‌های اقتصادی مزمن و پاکستان با مشکلات زیرساختی و امنیتی به‌دست‌وپنجه نرم می‌کند، درحالی‌که ایران با اتکا به توان داخلی خود توانسته در بسیاری از حوزه‌ها خودکفایی نسبی ایجاد کند. این نشان می‌دهد که رابطه با آمریکا به‌تنهایی نمی‌تواند ضامن پیشرفت باشد و ایران با تجربه تاریخی خود، به‌خوبی از این موضوع آگاه است.